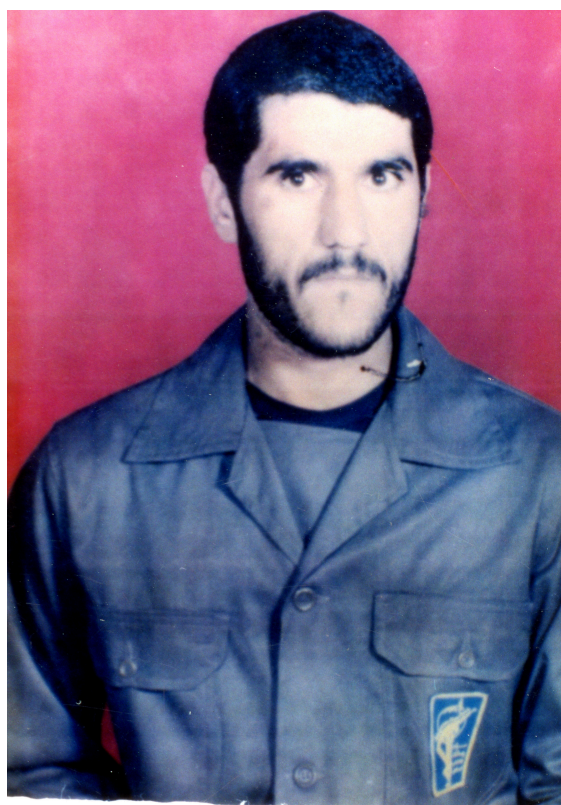


شهید محمد علی دشتی زاده



ازبائری علی
سازمان جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	عبدالله
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۳/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۰/۰۴
محل شهادت	جزیره سهیل
مسئولیت	فرمانده دسته
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	نظر آقا

زندگینامه

شهید محمد علی دشتی زاده فرزند عبدالله در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۴۲ در روستای نظر آقا از توابع شهرستان دشتستان دیده به جهان گشود. وی دوران کودکی را در دامن پدر و مادری مهربان و با تقوی سپری نمود شهید محمد علی در دوران کودکی در بین همبازیهایش بسیار فعال تر و با هوش تر بود وی در شش سالگی وارد دبستان رودکی شد و پس از طی این دوره به مدرسه راهنمایی مدرسی دوران سه ساله راهنمایی را گذراند شهید دوران مبارزات به حق ملت ایران بر علیه رژیم شاهنشاهی همدوش با امت قهرمان ایران در راهپیمائیه‌ها و تظاهرات شرکت فعال داشت و در زمانی که در دبیرستان بود اعلامیه‌های حضرت امام را جمع آوری و در بین دانش آموزان و هم محلیها توزیع می کرد و بخصوص بر علیه عوامل دست نشانده و معلوم الحال خوانین محلی که به نوعی بر گروه مردم روستا سنگینی می کردند نقش فعالی داشت و بر اثر روشن فکری هایی امثال شهید دشتی زاده بود که توانستند مردم روستا را از دست خوانین محلی نجات دهند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وی به عضویت پایگاه محل در می آید و پایگاه را تأسیس می کند سپس در سال ۶۱ به خدمت مقدس سربازی اعزام و در مناطق عملیاتی عین خوش در لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا سربازی خود را گذراند. سپس با توجه به احساس مسئولیتی که می نمود به خدمت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول شد. وی با حضور مداوم در جبهه های نبرد یک بار هم به شدت مجروح می شود ولی با این وجود هم دست از حضور در جبهه برنداشت او عاشق جبهه بود و دفاع از میهن و انقلاب را یک وظیفه می دانست سرانجام در عملیات کربلای ۴ در منطقه عملیاتی جزیره قطعه ای در خاک عراق در تاریخ ۴/۱۰/۶۵ به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر مطهر این شهید والامقام پس از یازده سال دوری از وطن به زادگاهش بازگردانده شد و در میان تشییع غمبار دوستان به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

بسم رب شهدا و الصدیقین

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم به ان لهم الجنة

خداوند از مومنین جانها و مالهایشان را می خرد و در مقابل بهشت می دهد .

به نام خدا سخنم را آغاز می کنم و با سلام خدمت پدر و مادرم و همچنین برادرانم و خواهرانم و تمام فامیلهایم بدید اکتون که در این راه قدم می گذارم نه برای انتقام بلکه برای رضای خدا و برای احیای اسلام و قرآن است هر تیری که به سوی دشمن نشانه روی می کنم به خاطر خداست زیرا که من خود آگاهانه این راه را انتخاب نموده ام ، همان راهی را که حسین (ع) برای خویش انتخاب نمود . اما سخنی با پدر و مادرم دارم ، پدر و مادر عزیزم بر خودتان ببالید و افتخار کنید که بهترین فرزندان را در راه خدا هدیه دادید و از شما می خواهم همچون حسین وار و زینب وار صبور باشید و از شما می خواهم که بعد از من جماعه نو پیوشید و شادی کنید و بر سر مزار من شیرینی خیرات کنید . پدر و مادرم در موقع نماز دعای خیر جهت امام و رزمندگان را فراموش نکنید از خدا تعجیل در ظهور حضرت مهدی (عج) را تقاضا کنید و همینطور برای توفیق کسانی که در راه خدا و اسلام و قرآن قدم بر می دارند دعا کنید اما سخنی با برادرانم و خواهرانم دارم ، برادرانم امیدوارم راه مرا در پیش گیرید و مثل فرزند امام حسین باشید . اما خواهرانم حجاب اسلامی را رعایت کنید و مثل فاطمه رفتار کنید . دعای خیر از شما می خواهم .

خدا حافظ

خدایا ، خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار

محمدعلی دشتی زاده . مورخه ۲۸/۳/۱۳۶۱

خاطرات

ویژگیهای شهید از زبان والدین شهید

در زمان بارداری او از آرامش کاملی برخوردار بودیم هیچ مشکل خاصی در زندگی نداشتیم به زندگی ساده خود قانع بودیم بیشتر از غذاهایی که توسط شوهرم تهیه شده بود استفاده می کردم و زمانیکه نوزاد متولد شد بسیار خوشحال بودیم که خداوند فرزند سالمی به ما عطا کرده است در مراسم نامگذاری او پدر و مادرش با مشورت همدیگر و با توجه به عشق و ارادت که به ائمه و اهل بیت داشتند نام او را محمد علی گذاشتیم . در دوران کودکی علاقه

به مسجد در او پیدا شد زمانیکه می خواستیم به مسجد برویم او هم گریه می کرد و به دنبال ما به مسجد می آمد و جانمازش را پهن می کرد و همراه مردم نمازگذار خم و راست می شد او با همه خانواده بسیار مهربان بود و در بین برادران و خواهرانش نمونه بود زمانی که به سن مدرسه رسید با اشتیاق رهسپار مدرسه شد و لی چون وضعیت زندگی ما خوب نبود نمی توانستیم همه امکانات مدرسه را برای او فراهم کنیم ولی تلاش و فعالیت او برای ادامه تحصیل بسیار زیاد بود و خود به کارگری می پرداخت تا کمک هزینه تحصیل خود را فراهم کند و با تمام وجود تکالیف خود را انجام می داد و حاضر به ترک تحصیل از مدرسه نشد او نسبت به انجام مسائل مذهبی بسیار حساس بود و اگر ناملایماتی می دید نسبت به آن عکس العمل نشان می داد شهید دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستا گذراند و برای ادامه تحصیل دوران متوسطه رهسپار شهر برازجان گردید و با این وجود هم در کارها به ما کمک می کرد او به مسجد هم علاقه داشت نمازش را به جماعت و در مسجد به جای می آورد نسبت به روحانیت علاقه داشت و آنان را عامل نجات مردم و میهن از زیر یوغ استکبار و دست نشانندگان او می دانست علاقه عمیقی به حضرت امام خمینی داشت و بارها دعا می کرد که ای کاش خداوند از عمر او بکاهد و به عمر امام بیفزاید در اعمال و رفتارش ، صداقت ، شجاعت و امانت داری و بلند طبعی هویدا بود در انجام واجبات بسیار کوشا بود و محرمات را انجام نمی داد در نمازهای جماعت مسجد و جمعه برازجان مرتب شرکت می کرد و بقیه را هم تشویق به شرکت در آن می نمود ، دوست دار اهل بیت عصمت و طهارت بود و در مراسمات مذهبی بسیار شرکت می کرد خصوصاً مراسم روضه خوانی و عزاداری امام حسین (ع) . همیشه دیگران را بهتر از خود می دانست و نسبت به رعایت حق دیگران و اولویت آن بر خود در او نمایان بود و به لحاظ داشتن همین روحیات بود که مردم در تشییع جنازه او شرکت گسترده ای داشتند و همگی اشک می ریختند او هم به مردم علاقه داشت و به همه احترام می گذاشت و زمانیکه یکی از دوستانش به شهادت می رسید او غبطه می خورد که چرا دیگران گوی سبقت را از او ربوده اند . او همیشه عاشق شهادت بود و بارها عنوان می کرد که ای کاش در زمان امام حسین (ع) می بودیم و در رکاب او به شهادت می رسیدم و در زمانی که به شهادت رسید ایشان متأهل بود و نسبت به همسرش علاقه زیادی داشت چون خود او را انتخاب کرده بود و معیارهای او رعایت حجاب – متانت و متدین بودن همسرش بود و با مشورت ما همسرش را انتخاب کرد و بعد از این که تشکیل خانواده دار اخلاق و رفتارش خیلی بهتر از قبل با ما بود و مرتب به سر می زد و از احوال ما جويا می شد . او قبل از ازدواج دوران سربازی خود را در خوزستان سپری کرده بود و گرم و سرد زندگی را چشیده بود او از طریق زن برادرش با همسرش آشنا شد با برپایی یک جشن ساده در محل ازدواج نمود او اهل تجملات نبود و بقیه را هم سفارش می کرد چون او دنیا را مانند پلی می دانست که از روی آن می گذریم و به خاطر رسیدن به درجه بالایی معنویت به استخدام سپاه در آمد . و در مورد جنگ هم دفاع را حق ملت ایران می دانست و جوانان را توصیه می کرد که گوش به فرمان امام باشند و جبهه ها را گرم نگه دارند از طریق بنیاد شهید دشتستان از شهادت او مطلع شدیم ولی جسدش مدتها مفقود بود و پس از چند از مفقود شدن او بوسیله کمیته مفقودین پیدا شد و از روی پلاک او را شناسایی کرده بودند و ما افتخار می کنیم فرزندانمان در راه خدا و انقلاب به شهادت رسیده چون از او بوده و تحویل خود او هم شده است .

عشق یعنی استخوان و یک پلاک



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران